

مداخله و کیل در بازپرسی

در قانون اصلاح بعضی از مواد قانون آئین دادرسی کیفری مصوب ۱۲ بهمن ۱۳۳۵ تبصره ای بماده ۱۱۲ قانون مزبور اضافه شده که عیناً نقل میشود.

« تبصره ذیل بماده ۱۱۲ اضافه میشود.

تبصره - متهم میتواند یک نفر از وکلاء رسمی دادگستری را همراه خود داشته باشد وکیل متهم بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه بازجویی میتواند مطالبی را که برای روشن شدن حقیقت و دفاع از متهم یا اجراء قراین لازم بداند ببازپرسی تذکر دهد اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس میگردد. »

نظر باینکه تبصره مزبور فصل جدیدی در قانون آئین دادرسی مفتوح نموده است و بعلت نداشتن سابقه قضائی و رویه اجرائی آن از نظر بعضی از آقایان بازپرسها و قضات ایجاد اشکالاتی نموده است بعلاوه چون در نتیجه برخورد عده ای از قضات تصور بنمایند اجرائی این ماده ممکن است بحقوق عمومی لطمه ای وارد آورد خود را ناگزیز از توضیح در اطراف این تبصره و ذکر تاریخچه مختصری از آن دانستم و چون قانون آئین دادرسی کیفری ایران ماخوذ از قانون آئین دادرسی فرانسه *Code d'instruction criminel* میباشد تاریخچه مختصر طریقه دادرسی کیفری در ازمنه قبل از تدوین قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه (۱۸۰۸) و بعد از آن بنظر مفید میرسد.

در قرون قبل از تدوین قانون آئین دادرسی کیفری طریقه اتهامی *Système Accusatoire* رایج و متداول بود در این طریقه دعوای جزائی مانند جنگ تن به تن بین شاکی و فاعل جرم است.

دو طرف دعوا ادعای خود را آزادانه و بطور شفاهی و عمومی در حضور قاضی بیان میکردند و دعوای جزائی در این طریقه بی شباهت بیک دعوای حقوقی نبود.

ریشه طریقه دادرسی اتهامی را میتوان در نظریه انتقام خصوصی جستجو کرد که در قرون سابقه یکی از ریشه های اساسی حقوق جزا و قانون مجازات بوده و جنگی بین فاعل عمل و منتقم ایجاد میگردد. جنگی که دارای قواعد و اصولی خاص بوده و باید در حضور یک گواه که همان قاضی و دادرس باشد عمل گردد.

در رم و یونان قدیم این طریقه بسیار متداول بوده است.

در این طریقه بتمام افراد حق اعلام جرم داده شده بود و بهمین علت از حقوق عمومی *Droit commun* بشمار میرفت.

بازجویی و بازپرسی مخفی و محرمانه نبود و چون اجتماع مراحل اولیه خود را

طی میکرد و افراد در قبائل زندگانی میکردند در حضور رئیس قبیله و سایر مردم اظهارات طرفین استماع میشد و قاضی همان رئیس قبیله بود که ممکن بود قضاوت نماید متهم در آب جوش برود و یا آهن سرخ بدن بگیرد و یا با شاکی دوئل (جنگ تن‌بتن) نماید که آنرا قضاوت الهی میگفتند.

این طریقه چون دارای معایب و مفاسدی بود در طول زمان تغییر کرد اگرچه هنوز در انگلستان و بتقلید بریتانیا در آمریکا متداول است و در این دو کشور اعلام جرم و ادعای جزائی از تکالیف شخص زیان دیده از جرم است.

در نتیجه تحولاتیکه بعمل آمد طریقه تفتیشی *Systeme inquisitoire* معمول گردید.

نکته مشخص این طریقه این است که شروع بتعقیب و ادعای جزائی بدست یک قاضی سپرده شد.

بعدها در دوره امپراطوری پارک و دادسرا بوجود آمد و قاضی تعقیب نماینده امپراطور بود و حتی تعقیب جرائم بنام امپراطور از وظایف تمام قضات شناخته شد تا حدی که در قرون ۱۵ و ۱۶ ضرب المثل معروف *Tout juge est procureur général* (هر قاضی دادستان است) بوجود آمد.

در طریقه دادرسی تفتیشی سه مرحله وجود دارد.

۱ - مرحله اطلاع *Information* که بجمع آوری دلایل از طرف بازپرس اقدام میشود و بازپرس ممکن است از طرف دادستان مأمور تعقیب شود و یا بر اثر شکایت مدعی خصوصی که مستقیماً با او مراجعه کند و یا شخصاً اقدام نماید.

در این مرحله از گواهان یا هر شخصی که لازم بداند تحقیق بعمل میآورد و تحقیقات مخفی و در غیاب متهم است.

۲ - مرحله تحقیق در مرحله نخست قاضی برای اطلاع خود بجمع آوری دلایل که شهادت شهود یا کسب اطلاع از مطلعین بود اقدام میکند در مرحله تحقیق از متهم بطور مخفی بازجوئی میشود و متهم باید قسم بخورد و متهم از دلایلی که علیه او موجود است اطلاع حاصل نمیکند و دادرس که نماینده حاکم است تصمیم میگیرد - اگر جرم بنظر او دارای اهمیت زیاد نباشد مانند دعوی حقوقی پرونده به جریان می افتد و اگر بعکس جرم را مهم تشخیص دهد طبق سه قاعده که از قواعد اساسی طریقه تفتیشی است رفتار مینماید.

اولاً - از گواهان مجدداً استماع گواهی میشود و باز هم استماع شهادت شهود در غیاب متهم است و گواهان باید قسم یاد نمایند و در صورت شهادت دروغ مجازات خواهند شد.

ثانیاً - بازجوئی از متهم با اداء قسم و در این مورد متهم بیک گواه شبیه میشود.

ثالثاً - مواجهه *Confrontation* متهم با هر یک از گواهان مواجهه داده میشود و در حضور او از گواهان سؤال میگردد متهم میتواند با گواهان صحبت کند ولی حق

مداخله وکیل در بازپرسی

داشتن وکیل ندارد - قاضی باید در جمع آوری آنچه برفع یابه ضرر متهم است اقدام نماید (بعدها در بعضی از جرائم مهم مانند اختلاس - ورشکستگی بتقصیر بتمهم اجازه داشتن وکیل در مرحله دوم داده شد) مذاکرات بر روی اوراق نوشته میشود.

۳ - تحقیقات نهائی - سومین مرحله دعوی جزائی تحقیقات نهائی است که در حضور چند نفر قاضی جزائی و معاونین او انجام میگردد. در این مرحله نیز اصول قضائی منفی است در غیاب متهم و نماینده دولت اوراق پرونده مطالعه میشود و بدلائل و شهادت شهود قبلاً توجه میگردد و ممکن است گواهان از طرف متهم جرح شوند و این جرح گواهمورد قبول قضات قرار گیرد.

قضات بر روی اوراق تحقیق است و علم قاضی شرط نیست و متهم در این مرحله نیز نمیتواند وکیل داشته باشد - هنگامیکه دلایل قانونی کافی نباشد ولی قرائن و امارات و علائم مشخص علیه متهم وجود داشته باشد این قرائن و امارات با اقرار تکمیل میگردد.

اگرچه در طریقه تفتیشی متهم بارتکاب جرم متقاعد میگردد ولی چون دارای معایبی است حقوق دانان با آن مخالفت نموده اند - زیرا در این طریقه حق دفاع که از حقوق مهمه بشمار میرود در اغلب موارد از بین میرود و متهم حق ندارد وکیل مدافع داشته باشد و منافع او پعلت مخفی بودن تحقیقات در معرض تضییع قرار میگردد بعلاوه چون در این طریقه برای اخذ اقرار اجازه زجر و آزار بدنی و اخلاقی داده شده عیب این طریقه بیشتر بچشم میخورد که بهمین جهات و لثر در فرانسه بکاریا در ایتالیا شدیداً با آن مخالفت نمودند.

از اواسط قرن ۱۷ مخالفت با طریقه تفتیشی شدت یافت و در نتیجه انتقاد منتسکین و سایر حقوق دانان آزار و شکنجه لغو و تحقیقات عمومی شد و بتمهم اجازه داده شد وکیل انتخاب نماید.

در سال ۱۶۷۰ حق انتخاب وکیل بتمهم اجباری گردید و میتوان گفت از آن تاریخ تبصره ای که اخیراً در قانون آئین دادرسی ایران پیش بینی شده است در کشور فرانسه معمول گردید.

این تحولات جزائی تا اواسط قرن ۱۹ به نفع متهم ادامه یافت و بالاخره منجر بتصویب قانون حفظ منافع متهم در ۱۸۹۷ گردید.

قانون آئین دادرسی کیفری فرانسه مصوب سال ۱۸۰۸ از طریقه تفتیشی پیروی شده یعنی کیفیت در دادرسی کتبی و مخفی بود که حتی باطلاع متهم نیز نمیرسد و در این قانون نیز بتمهم حق داشتن وکیل داده نشد و چون طبق مواد این قانون دادستان که نماینده دولت است ماموریت تعقیب متهم را دارد و پرونده را ببازپرسی ارجاع مینمایند و بیشتر با وزیر دادگستری تماس دارد باز پرس در جمع آوری دلایل علیه متهم بیشتر جدیت میکند و سعی مینماید پرونده را در هر صورت بدادگاه ارسال دارد تا مورد تشویق دادستان و در نتیجه وزیر دادگستری قرار گیرد.

مداخله وکیل در بازپرسی

این است عیب این قانون و علت عمده برائت اغلب متهمین در دادگاه جزائی این عدم توجه بازپرسان بقوت و قدرت دلائل له و علیه متهم و اکتفا بکوچکترین قرائن و امارات موجوده است که فعلاً در دادگستری ما متداول میباشد.

این معایب قانونی سبب تدوین موادی برای حفظ منافع متهم و جلوگیری از اشتباهات بازپرسها گردید که مهمترین آنها قانون ۸ دسامبر ۱۸۹۷ میباشد و مهمترین ماده این قانون حق داشتن وکیل متهم است بعداً قانون ۷ فوریه ۱۹۳۳ برای ضمانت آزادی فردی بتصویب رسید و باز هم موادی بنفع متهم پیش بینی شد که اهم آنها مربوط بپادداشت موقت متهم است و نظر باینکه این موضوع مورد بحث نیست از شرح آن خودداری و آنرا بمقاله دیگری محول میسازد.

نخستین آثاری که از نتیجه قانون ۱۸۹۷ ظاهر گردید اعلام اتهام بمتهم است که در ماده ۱۲۵ قانون آئین دادرسی کیفری ایران نیز پیش بینی شده و تاحدی مخفی بودن امر جزائی را از بین برده است.

اولین تحقیقات در غیاب وکیل متهم بعمل میآید و چنانچه متهم بازداشت شود باز پرس موظف است او را آگاه کند که از بین وکلاء دادگستری وکیلی برای دفاع از خود انتخاب نماید.

در بند ۳ ماده ۳ قانون ۱۸۹۷ اضافه شده که چنانچه متهم از انتخاب وکیل خودداری کند باز پرس شخصاً برای او وکیل انتخاب مینماید انتخاب وکیل از طرف باز پرس موقعی بعمل میآید که متهم تقاضا کند.

در صورتیکه متهم صریحاً اظهار دارد نمیخواهد از این حق استفاده کند باز پرس تحقیقات را شروع میکند و انصراف او را باید در صورت مجلس قید و بامضاء او برساند.

این انصراف از حق انتخاب وکیل قطعی نیست و هر موقع متهم میتواند وکیلی تعیین و معرفی کند و یا از باز پرس بخواهد وکیلی برای او انتخاب کند.

چنانچه متهم وکیل انتخاب کند نتایج آن انتخاب بشرح زیر است.

۱ - پس از انتخاب وکیل هیچگونه تحقیقات یا مواجهه ای بعمل نخواهد آمد مگر آنکه بیست و چهار ساعت قبل بوکیل مدافع اطلاع داده شود تا در نزد باز پرس حاضر گردد - (بند ۴ ماده ۹ قانون ۱۸۹۷) حضور وکیل اختیاری است و غیاب او پس از اطلاع از وقت بازپرسی مانع تحقیقات نیست - وکیل در محضر باز پرس حق ندارد بمتهم چیزی بگوید یا از طرف او بنویسد و متهم شخصاً باید پاسخ سئوالات را داده یا بنویسد ولی وکیل میتواند هر چه بنظرش برای دفاع متهم یا کشف حقیقت لازم میرسد تذکر دهد و در اطراف سئوالیکه بنظر او صحیح نیست چنانچه باز پرس از انجام تقاضای وکیل خود داری کند و یا بتذکرات او ترتیب اثر ندهد مراتب باید در صورت مجلس قید گردد تا در مواقع لازم مورد استفاده وکیل قرار گیرد.

۲ - ۲۴ ساعت قبل از هر تحقیق باید پرونده در دسترس وکیل مدافع متهم قرار داده شود (ماده ۱۰)

مداخله وکیل در بازپرسی

وکیل مدافع در اطاق بازپرس و یا با اجازه بازپرس در دفتر بازپرسی پرونده را مطالعه و از موارد مورد استفاده خود یادداشت برمی‌دارد.

۳ - هر قراریکه باز پرس صادر نموده است باید وکیل مدافع را از صدور آن مستحضر و آگاه نماید.

* * *

این بود بطور خلاصه آنچه بنظر میرسد در اطراف تبصره ماده ۱۲ برای جلب توجه آقایان بازپرسها توضیح داده شود و روشن گردد که منظور مقنن از اضافه نمودن تبصره فوق بقانون آئین دادرسی کیفری حفظ حقوق فردی بوده است در اغلب موارد در کشور ما دستخوش تضییع قرار میگیرد.

متأسفانه آقایان قضات نمیخواهند این حقیقت را بپذیرند که وکلاء دادگستری خود رکن اصلی و اساسی دادگستری میباشند. و اینکه آنانرا وابسته بدادگستری میدانند صحیح نیست برای اثبات ارزش و مقام وکیل خود را محتاج بذکر مثال از قوانین خارجی از جمله قانون ۱۸۹۷ و ۱۹۳۳ فرانسه نمیدانند بلکه در قانون ناقص ایران نیز حضور وکیل را در دادگاه جنائی لازم میدانند.

من بنام جامعه وکلاء دادگستری از هیئت تحریریه مجله کانون وکلاء تقاضا میکنم ستون مخصوص برای بهبود رابطه وکیل وقاضی باز نمایند تا آقایان وکلاء وقضات آنچه بنظرشان میرسد در این ستون بنگارند زیرا رفتار بعضی از آقایان قضات با وکلاء بجائی رسیده که شخص ترجیح میدهد از وکالت منصرف شود تا در بعضی از شعبات حضور بهمرساند.

آقایان قضات نمیخواهند قبول فرمایند که پس از چند ماه مراجعه و تعیین وقت برای استماع گواهی گواهان وکیل تا چه اندازه زحمت کشیده تا گواهان را حاضر نموده و آنگاه میفرمایند امروز نمیتوانم اخذ گواهی نمایم چقدر بحیثیت وکیل لطمه زده‌اند ما از اشکالات موجود بخوبی آگاهیم ولی با اینهمه مواردی پیش آمده است که نمیتوان از ذکر این گله دوستانه خودداری کرد بخصوص رجحان بلامرجعی که از طرف آقایان قضات نسبت ببعضی از وکلاء داده شده است پیش از هر چیز غیر قابل تحمل است.

امیدوار است این تذکرات کوچک کافی بر بهبود روابط گردد و باین وسیله از آقایان قضات خواهش میکنم اگر آنها نیز موارد قابل ذکر از اعمال وکلاء دیده‌اند در این ستون مرقوم فرمایند تا از این بحث نتیجه مطلوب حاصل گردد.